

اندیشه حکومت دینی و روابط دین و دولت در ذهن و زبان ایرانیان

علی عباسی^۱، علیرضا سایبانی^۲

چکیده

دین و دولت، همانگونه که در اندیشه سیاسی امروزه مورد بحث می‌باشد، در طول تاریخ در ذهن و روان انسان‌ها وجود داشته است و تعامل مابین این دو نهاد زائیده سده‌های پیشین بوده که فرایند تاریخی و اجتماعی دیرینه‌ای داشته است و در سرزمین کهن ایران و پیوند میان آن را می‌توان در میان آثار و نوشته‌های گذشتگان جستجو کرد. بر مبنای گواهی متون مذهبی زرتشتی و دین مزدیسنا، کتیبه‌ها، نوشته‌ها و آثار عهد هخامنشی و ساسانی، متن شاهنامه فردوسی که سند هویت ملی ایرانیان است و در کل، ادبیات کلاسیک فارسی که آئینه افکار و اندیشه مردم است، در تمدن ایرانی، شاه نماینده خدا بر زمین و مورد تأیید و حمایت الهی است و وظیفه عمده شاه به عنوان نماد دولت و حاکمیت، دین‌گستری است. وظایف متقابل دین و دولت در هم‌افزایی قدرت یکدیگر، امری است که مورد توجه روحانیون زرتشتی و شخص شاه بوده است و در تعلیمات و باور غالب آن عهد به ویژه عصر ساسانی، دین و دولت به منزله دو برادرند که باید حامی و پشتیبان هم باشند که بقا و رشد همدیگر را ضمانت نمایند. طبق گزارش‌های تاریخی از متون مذکور، می‌توان گفت حکومت و سلطنت پادشاهی ایرانی که مبین رابطه عمیق دین و دولت است، جلوه‌ای از سلطنت الهی است بر روی زمین، که اهورامزدا (آفریدگار یکتا) در آسمان به مدد فرشتگان و امشاسپندان بر این جهان حکم می‌راند. اندیشه فره ایزدی به وضوح بیانگر مشروعیت سیاسی نظام‌های سلطنتی در ایران است.

واژگان کلیدی: دولت و دین، حکومت دینی، دولت دینی، فره ایزدی، اوستا، شاهنامه فردوسی.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیراز

^۲ دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بندرعباس (نویسنده مسئول)

مقدمه

پادشاهی (حکومت) می‌نماید.

این مقاله در پی آن است تا ضمن به دست آوردن منشاء رابطه دولت و دین، نمود آن را در ادبیات کلاسیک و همچنین رابطه آن را در اندیشه گذشته و مستمر و رفتار ایرانیان بازبایی نماید. در واقع در جستجوی زمینه‌های ذهنی و اندیشه‌هایی است که در فرایند تاریخی موجب پیدایش این تعامل شده است و بر آن گواهی می‌نماید که این پیوند سابقه دیرین در ذهن، اندیشه، باور و رفتار ایرانیان دارد! و پرسش‌های فرعی مطرح شده این است که این رابطه مربوط به چه زمانی است؟ مفهومی جدید است یا از گذشته در ذهن آنها نقش بسته است؟ آیا در طول تاریخ این اندیشه استقرار و یا استمرار یافته است؟ به ویژه با عنایت به اینکه هم اکنون در ایران دولتی با صبغه دینی حکومت می‌نماید! و بررسی خواهیم کرد که این مفاهیم و اندیشه‌ها به چه معنا بوده و شارع چه نوع حکومتی را اعلام نموده و آن را پذیرا بوده است و به چه کسانی اعلام نموده است که می‌توانند حکمرانی نموده و قدرت داشته باشند؟ با یادآوری این توضیح که تلاش و منظور ما در این متن از ارائه دولت، همان نهاد سیاست‌گذاری می‌باشد و این اندیشه مورد کنکاش می‌باشد که حاکمیت مطلق در جهان از آن خداوند است که به نمایندگان او در روی زمین تفویض شده است.

تعاریف و کلیات**الف) تعریف دین**

دین به معنی کیش، طریقت، شریعت، مقابل کفر است. «در سانسکریت و گاتها و دیگر بخش‌های اوستا مکرر کلمه «دئنا» آمده دین در گاتها به معانی مختلف کیش،

هر دینی راجع به هر دولتی شاخصه‌هایی مطرح کرده است که بررسی منشاء و آثار آن موجب دستیابی به ویژگی‌های آن دولت دینی می‌گردد. دولت دینی باید جوهره‌اش دین باشد، دولتی که منشاء دینی دارد معمولاً در جنبه تقدس و آسمانی نمایانگر می‌شود. آنچه که در این مفهوم بیان می‌شود این است که مردم در الزامات حقوق نقشی ندارند و حتی حاکمان چون جنبه تقدس و الهی دارند، در قبال مردم پاسخگو نمی‌باشند. ولی باید توجه داشت که جامعه دینی به معنای جامعه اخلاقی است و ملاک آن همان اخلاق در معنای مثبت بوده که قطعاً، جامعه بی‌اخلاق، جامعه دینی محسوب نمی‌گردد. با توجه به مباحث دولت دینی و حاکمیت دین و اهمیت یافتن آن در اندیشه‌های سیاسی معاصر، تفکر و اندیشه دینی در ایران، که در حال حاضر، زیربنای بیشتر قواعد و مقررات و حتی الزامات زندگی شده و یا تحمیل گردیده است، از روزگار کهن تا کنون، حاکم و والا بوده است و هر کدام از اندیشمندان، حکیمان و تاریخ‌نگاران بدان استناد نموده‌اند و با توجه به تکوین آن، واکاوی اندیشه‌های ایرانی که در متون مذهبی اوستا و ادبیات کلاسیک ایران منعکس است ضروری می‌نماید. به نظر می‌رسد در بلندمدت فرایند تعامل دولت و دین به سمت گریز مردم از سکولاریسم محض و حرکت به سمت دولت با ماهیت دینی باشد (راس و کارن، ۱۳۸۲: ۳).

آنچه که در ادبیات کلاسیک ایران به عنوان مبنای مشروعیت سیاسی نظام‌های سلطنتی بیان گردیده، فره ایزدی است که موجب پایداری دولت‌ها و حکومت‌ها بوده است و همان اعتقاد داشتن به دین بوده است. در واقع فره ایزدی ما را رهنمون به پیوند آئین دینداری و آئین



خصایص روحی، تشخیص معنوی و وجدان بکار رفته است و به معنی اخیر دین یکی از قوای پنجگانه باطن انسان است ... تحقیق درباره دین و ماهیت و احوال آن موضوع علم ادیان و ملل و نحل است که امروز شعب و فنون مهم دارد از آن جمله است علم‌الادیان تطبیقی. اما این موضوع از جهت روانشناسی، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، باستان‌شناسی و اخلاق نیز مورد بحث اهل نظر هست و از جهت تاریخ، ادیان را به ادیان موجود و ادیان گذشته و همچنین ادیان الهی و ادیان غیرالهی می‌توان تقسیم کرد. مقصود از ادیان الهی، دین‌هایی هستند که بنای آنها بر اعتقاد به یگانگی خداست و آن را ادیان آسمانی نیز گویند. احکام این ادیان به وسیله پیامبران از جانب خدا به خلق ابلاغ می‌شود اساس این ادیان تسلیم است» (دهخدا، ۱۳۳۵: ۷۵۴). در اوستا واژه دئنا به معنی دین و نیز نیروی ایزدی بازشناسی نیک از بد گزارش شده است.

امیل دورکیم می‌گوید: دین عبارت است از دسته‌ای همبسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی (مجزا از امور ناسوتی) که این باورها و عقاید و روش‌های ثابت و غیرقابل تغییر همه کسانی را که پیرو آنها هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند. دین از نظر اندیشمندان غربی، اعتقاد به موجودات روحانی و اعتقاد به خدای سرمدی است. بحث از رابطه دین و دولت، با ظهور مسیح آغاز گردید، زمانی که دین تا حدی ظهور و بروز اجتماعی پیدا کرد، مباحثی از رابطه متقابل این دو مطرح شد و حتی در مقطعی که دین به قدرت برتر تبدیل گردید، در این شرایط سخن از حاکمیت دین در همه امور به میدان آمد به گونه‌ای که در قرون وسطا منشاء قدرت را خدا می‌دانستند که به وسیله کلیسا باید به اجرا در می‌آمد

(قربانی، ۱۳۸۹: ۶-۵).

توماس هابز در کتاب لویاتان عنوان می‌کند: حاکم، هم بر دنیا و هم بر دین شهروندان اشراف پیدا می‌کند و این خواسته خود مردم است تا جامعه را به غایت صلح برساند و دین را زائیده خیال و پندار بشری می‌داند (میرموسوی و مکتبی، ۱۳۹۲: ۱۱۵). ولی جان لاک، از آنجایی که دین را از مقوله اختیار می‌داند و دولت را از مقوله اجبار، به لحاظ ماهوی ارتباطی را بین این دو متصور نمی‌داند و نگاهی سکولار به رابطه دین و دولت دارد و این رابطه را تفکیک شده می‌داند (همان، ۱۱۶).

ژان ژاک روسو ضمن پیشنهاد آموزه دین مدنی، مرز دینداری را تا آنجا که مخالف حقوق شهروندان نباشد، مجاز می‌داند و منطقی‌ترین روش برای حکمرانی را این می‌داند که دین در خدمت قرارداد اجتماعی باشد و جالب اینکه در میان همه ادیان توحید، مدل اسلامی را نمونه‌ای درخور تحسین می‌داند که باعث انسجام و وحدت بیش‌تر جامعه شده بود (همان، ۱۱۸). تبیین هر کدام از اندیشه‌ها بیانگر این واقعیت است که دین همواره در بحث‌های اجتماعی و سیاست‌گذاری‌ها جریان و تأثیر داشته است بطوریکه نگاه حداقل مثبت‌گرایانه بدان بیشتر متجلی می‌شود.

ب) حکومت دینی

حکومت دینی به نوعی خاص از حکومت گفته می‌شود که در آن اصالت به قوانین دینی و فرد روحانی حاکمیت دینی داده شود (theocracy) و نوعی حکومت است که در آن خدا مبنای سیاسی یک مملکت است و مملکت توسط نمایندگان مدعی خدا در رأس امور اداره می‌گردد (

<https://fa.wikipedia.org>).

می‌برند» (<https://fa.wikipedia.org>).

د) دولت دینی

معیار دینی بودن یک دولت استناد به دین و پذیرش مرجعیت دین در زندگی سیاسی است. دولت‌های دینی عموماً دولت‌هایی هستند که به درجات مختلف، در هستی دولت، مکانیسم عمل و غایت دولت به آموزه‌های دینی استناد می‌کنند. در دولت دینی هیچ شخصیتی و هیچ روایتی از دین بدون چون و چرا نیست. و هیچ تفسیری از دین لزوماً آخرین و بهترین فهم به حساب نمی‌آید. دولتی دینی است که در آن ساخت عموم قدرت سیاسی یا حداقل شرایط حاکمان به معیارهای ملحوظ در نصوص دینی تعریف می‌شود. این اندیشه دقیقاً مخالف دولت سکولار است که در اساس بر جدایی دین و سیاست استوار بوده و هرگونه مرجعیت دین در زندگی سیاسی را انکار می‌کند. در دولت دینی رئیس دولت به شخص (مثل پیامبر و امام) یا به وصف عنوانی (مثل خلیفه یا ولی فقیه) از جانب خدا و دین خدا تعیین می‌شود در حالی که در دولت سکولار رئیس دولت به دست مردم یا با وراثت یا با کودتا و انقلاب استقرار یافته و حداقل مشروعیت قهری می‌یابد. دولت دینی مبتنی بر احکام شرعی است در حالی که قوانین دولت سکولار بر خرد و عقل بشر استوار است. حاکم در دولت دینی، به لحاظ ولایت شرعی که دارد از امکانات مالی و مشروع وسیع‌تری نسبت به دولت‌های غیردینی برخوردار است (فیرحی، ۱۳۹۲: ۱-۳). و معمولاً در دولت دینی حکمرانان و پیشوایان سیاسی در مقام و قدرتی که دارند کمتر پاسخگو بوده و آن را بر نمی‌تابند. به نظر می‌رسد اندیشه دولت دینی مصادیقش در میان مسلمانان یافت

حداقل سه معنا ممکن است از حکومت دینی اراده شود: ۱- حکومتی که تمام ارکان آن براساس دین شکل گرفته باشد؛ ۲- حکومتی که در آن احکام دینی رعایت می‌شود؛ ۳- حکومت دینداران و متدینان (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۴). تاریخچه نظریه حکومت دینی به پیشینه تاریخی انبیاء الهی باز می‌گردد که بسیار کهن و دیرین است (www.hawzah.ir). و در انسجام جامعه و احکام و نهادها و مقررات ابتدای آن، مبنای دین و حاکمیت خداوند جلوه‌گر می‌شود و معمولاً به نحو شدید با هرگونه اندیشه غیرالهی مخالفت می‌گردد.

ج) دولت

آنچه که از دولت متبادر به ذهن می‌شود بیشتر تکوین و شکل‌بندی سیاست‌ها برای اداره امور کشور و یک جامعه می‌باشد. «ساخت قدرتی است که در سرزمین معین بر مردمانی معین تسلط پایدار دارد و از نظر داخلی نگرهبان نظم به شمار می‌آید و از نظر خارجی پاسدار تمامیت سرزمین به منافع ملت یکایک شهروندان خویش به شمار می‌آید. این ساخت قدرت به صورت نهادها و سازمان‌های اداری، سیاسی، قضائی و نظامی فعلیت می‌یابد» (آشوری، ۱۳۶۶: ۶۲).

دولت: «دولت در علم سیاست به معنی اجتماعی از مردم است که در یک سرزمین مشخص زندگی می‌کنند و از حکومتی برخوردارند که به وضع و اجرای قانون اقدام می‌کند و تحت سلطه حاکمیتی قرار دارند که استقلال و آزادی آنان را تضمین می‌کند. مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می‌شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم «دولت» و «حکومت» را به یک معنا به کار



پیشینه اندیشه دولت یا حاکمیت دینی در ایران

اندیشه حاکمیت دینی یا دولت دینی در جوامعی که سابقه تمدن و تاریخ دیرینه دارند امری است آشکار که به اشکال متفاوت خود را نشان می‌دهد. برای مثال در حکومت سه هزار ساله فرعونیان در مصر، فرعون، بخش خدایی و از نژاد خدایان است و در تمدن ایرانی، شاه نماینده خدا بر زمین و مورد تأیید الهی است و وظیفه عمده شاه و نظام حکومتی، دین‌گستری است.

اندیشه حاکمیت دینی در دو نظریه فره ایزدی و السلطان ظل‌اله متبلور است که اولی در کتاب مقدس اوستا و متون کلاسیک ادب فارسی همچون شاهنامه فردوسی و دومی در متون اسلامی آمده است. فره ایزدی در تعریفش گفته شده که فروغی ایزدی و موهبتی الهی است که بر هر کس بتابد و از آن برخوردار شود مقام سروری و پادشاهی یابد.

استقرار دولت صفوی به ایجاد مجال برای شیعیان جهت بالیدن اجتماعی می‌توانست مقدمات پرداختن به مسئله مهم دولت در فقه شیعه باشد (همان، ۱۵). امام خمینی اولین کسی است که در تاریخ فقه شیعه توفیق تشکیل حکومت یافت و اولین فقیه شیعی است که واژه حکومت اسلامی را در یک کتاب فقهی (البیع) به کار برد (همان، ۱۲)، و به تبع آن، اکنون آنچه که در ایران حاکمیت دارد، حکومتی با اندیشه‌های دینی است.

الف) دیدگاه ایرانی نسبت به سلطنت الهی

در باور ایرانی که در دین مزدیسنا زرتشتی منعکس است. جلال و شکوه و خرمی این جهان مورد نظر است و شادکامی و برخوردارگی از نعم و شادی‌های این جهان توصیه شده که تا حدودی این وجه در دین‌های سامی کمرنگ است. شکوه

شود، با وجودی که ادیان زیادی وجود دارند و پیروان آن ادیان از دولت خود حداقل توقع دارند که به آنان نیز توجه داشته باشند ولی در پی دولت دینی نبوده‌اند.

ه) فره ایزدی

در تعریف فره ایزدی آمده است: «فره، فروغی ایزدی است به دل هر که بتابد از همگنان برتری یابد از پرتو این فره است که کسی به پادشاهی می‌رسد. برازنده تاج و تخت گردد ... همچنین از نیروی این نور است که کسی در کمالات نفسانی و روحانی آراسته شود و از سوی خداوند از برای رهنمای مردم برانگیخته گردد و به مقام پیامبری رسد و شایسته الهام ایزدی گردد» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۱۴). و بر همین مبنا در جامعه‌شناسی سیاسی قدرت مشروع براساس منشاء و مبنای آن به سه قسم تقسیم می‌شود:

۱- سنتی که مبتنی است بر اعتقاد متداول به تقدس سنت‌هایی که از قدیم اعتبار داشته‌اند و مشروعیت کسانی که این سنت‌ها آن‌ها را مأمور و مجاز به سیادت می‌کند از قبیل وراثت، ابوت، خون، اشراف و روحانیون و فیلسوفان؛

۲- فره‌مندانه (کارزماتیک) که مبتنی است بر فرمانبرداری غیرعادی و استثنائی از یک فرد بخاطر تقدس، قهرمانی و یا سرمشق بودن وی و از نظر نظامی که او ایجاد کرده است و به او الهام شده است و ایثار در برابر وی و نظامش؛

۳- قانونی، در جمع بین فره ایزدی و شخصی که چنان نیروئی برخوردار می‌شود، منجر به تقدس شخص حکمران می‌گردد که همگان گاه در حد پرستش به وی عشق ورزیده و او را در مقام سیادت خود می‌دانند و خود را تابع بی‌قید و شرط قلمداد می‌نمایند (کدیور، ۱۳۸۷: ۴۴).

پس مشروعیت او فقط ناشی از این برگزیدگی (یعنی داشتن فره ایزدی) است.

ج) نخستین پادشاه ایرانی، آورنده دین و آئین شاهی

در فرهنگ ایرانی اولین پادشاه ایرانی کیومرث است که دارای فره ایزدی است و آئین پادشاهی را که مورد تأیید الهی است و چون پیامبر از رهنمایی سروش غیبی (فرشته وحی) برخوردار است، او آورده است. همچنین گزارش شاهنامه حاکی از آن است که مردمان نیز آئین و دین خود را از شخص شاه گرفته‌اند. بنابراین هم دین و هم دولت توسط اولین شاه ایرانی بر مردم عرضه شده و بنیان نهاده شده است.

چنین گفت کائین تخت و کلاه

کیومرث آورد و او بود شاه

همی تافت زو فر شاهنشاهی

چو ماه دو هفته ز سرو سهی

دد و دام و هر جانور کش بدید

زگیتی به نزدیک او آرمید

دوتا می‌شدندی بر تخت او

از آن بر شده فره و بخت او

به رسم نماز آمدندیش پیش

وزو برگرفتند آئین خویش (فردوسی، ۱۳۶۱: ۱۴-۱۳).

طبق گزارش شاهنامه وقتی سیامک، فرزند کیومرث، توسط دیو اهریمن کشته شد کیومرث به مدت یک سال به سوگ نشست تا اینکه فرشته وحی الهی بر او فرود آمد و ضمن تسلیم، دستور داد که با اهریمن به نبرد بپردازد و از دیو انتقام بگیرد:

و جلال سلطنت الهی و سلطنت مینوی امری است که در دین مزدیسنا بدان تأکید شده است:

«اهورامزدا با گروه امشاسپندان و ایزدان یک سلطنت روحانی که آن را خستره گویند آراسته آنچه در عالم بالا و پایین است در تحت حمایت یکی از کارگزاران و گماشتگان ایزدی قرار داده شده است ... گویا همین سلطنت سرمشق پادشاهان هخامنشی بوده که در مدت بیشتر از دوپست سال از پرتو نظم و ترتیب یک قسمت مهم روی زمین را در تحت تصرف خویش داشتند» (معین، ۱۳۶۳: ۱۷).

ب) اندیشه فره ایزدی پادشاهان ایرانی

خلاصه و جوهر آتش در اوستا موسوم است به خوارنگه که در فارسی خره یا فره گوئیم و آن عبارت است از فروغ یا شکوه و بزرگی مخصوصی که از طرف اهورامزدا به پیغمبر یا پادشاهی بخشیده می‌شود (پورداوود، پیشین: ۵۱۲).

دکتر همایون کاتوزیان می‌نویسد: طبق نظریه ایرانی، پادشاهی و حکومت شاه دارای فره ایزدی است و این بدان معناست که شاه، جانشین خدا در روی زمین است و به قول پورداوود این پادشاهان کیانیان نزد ایرانیان، به منزله انبیاء بنی‌اسرائیل در نزد اقوام سامی می‌باشند (عباسی، ۱۳۸۲: ۲۱).

ابوالفضل قاضی می‌گوید: پادشاهان ایرانی براساس حاکمیت الهی فرمان می‌رانند پس اراده مردم در تکوین قدرت، چندان محلی از اعراب ندارد (شریعت‌پناهی، ۱۳۸۲: ۱۹).

ناصر کاتوزیان در تکمیل این بحث می‌آورد: چون شاه دارنده فره ایزدی و برگزیده خداست پس او در آنچه می‌کند در برابر خدا مسئول است نه در برابر خلق، اعم از خلق دارا و نیروند و خلق ندارا و ناتوان. او برگزیده خداست

حکایت‌های این پادشاه شبیه حکایت‌های اسطوره‌ای سلیمان پیامبر است، از جمله در اختیار داشتن جن و پری و دیو و سفرش به آسمان.

در اندیشه ایرانی و طبق اوستا، نیروی فره ایزدی برای پادشاه، التزام‌آور و نقش بازدارندگی قدرت دارد. التزام به راستی و عدل و ایمان. پادشاه با اینکه به نیروی خدایی متکی و مورد عنایت است ولی معصوم نیست (جمشید نمونه خوبی است). پادشاهی با آن همه شکوه و سلطنت بر هفت کشور، به واسطه یک دروغ، فره از وی جدا شد و سقوط کرد. «در هنگام پادشاهی او نه سرما بود و نه گرما و نه مرگ و نه رشک دیو. چنین بود روزگار او، پیش از آنکه دروغ گوید و دهان به دروغ بیالاید. آنگاه که دروغ گفت. فره آشکارا به پیکر مرغی از وی به بیرون شتافت. جمشید، دید که فره از او بگسست، افسرده و سرگشته شد و در برابر دشمنی دیوان فروماند و در زمین نهان گردید» (دوستخواه، ۱۳۶۲: ۲۹۵).

د) کی گشتاسپ پادشاه هم عصر زرتشت

زرتشت در زمان گشتاسپ ظهور کرد و گشتاسپ از او حمایت کرد و در گسترش دین بهی کوشید، در کتاب اوستا از فره ایزدی که متعلق به زرتشت پیامبر و پادشاهان ایرانی است بسیار یاد شده و ستایش گردیده است. در قسمت «یشت» ها که سروده‌های اوستا است دقیقاً پس از ستایش فره زرتشت، به ستایش فره کی گشتاسپ می‌پردازد و در همین کتاب علاوه بر مقام پیامبری، به مقام پادشاهی زرتشت هم گواهی داده می‌شود: «فره کیانی نیرومند مزدا آفریده را ما می‌ستائیم که به زرتشت پاک تعلق داشت کسی که به حسب دین اندیشید، به حسب دین سخن

نشستند سالی چنین سوگوار

پیام آمد از داور کردگار

درود آوریدش خجسته سروش

کزین بیش مخروش و بازآر هوش

سپه ساز و برکش به فرمان من

برآور یکی گرد از آن انجمن

از آن بد کنش دیو روی زمین

بپرداز و پردخته کن دل زکین (همان، ۱۶).

مقام مذهبی و روحانیت پادشاه ایرانی از قول جمشید که بزرگترین پادشاهان پیشدادی است در شاهنامه فردوسی چنین بیان شده است:

کمر بست یکدل پر از پند او

گرانمایه جمشید فرزند او (فرزند هوشنگ)

برآمد برآن تخت فرخ پدر

به رسم کیان بر سرش تاج زر

کمر بست با فر شاهنشهی

جهان گشت سرتاسر او را رهی (خدمتگزار)

زمانه بر آسود از داوری

به فرمان او دیو و مرغ و پری

جهان را فزوده بدو آبروی

فروزان شده تخت شاهی بدوی

منم گفت با فره ایزدی

هم شهریاری هم موبدی

بدان را ز بد دست کوتاه کنم

روان را سوی روشنی ره کنم (همان، ۲۶).

گفت و به حسب دین رفتار کرد به طوریکه او در سراسر جهان مادی در راستی راست‌ترین و در پادشاهی بهترین شهریار، بود. فره کیانی نیرومند مزدا آفریده را ما می‌ستایم که به کی گشتاسپ تعلق داشت کسی که به حسب دین اندیشید، به حسب دین سخن گفت و به حسب دین رفتار کرد به طوریکه او این دین را بستود دیوهای دشمن را از پاکان (مقدسین) برهاند» (پورداوود، پیشین: ۳۴۸-۳۴۷).

این پادشاه به واسطه اینکه خداوند به او پادشاهی عطا کرده خود را ملتزم می‌داند که کافران را به دین خدا در آورد:

منم گفت یزدان پرستنده شاه

مرا ایزد پاک داد این کلاه

چو آیین شاهان به جای آوریم

بدان را به دین خدای آوریم (معین، پیشین: ۴۱).

این همان پادشاهی است که وقتی پیشگوی اعظم زرتشتی (جاماسپ) به وی خبر قتل ۲۲ تن از برادران و فرزندان در جنگ با تورانیان می‌دهد می‌گوید: «اگر در این جنگ همه پسران و برادران و بزرگان کشور من و حتی زرم هوتس- از کسی که سی پسر و دختر دارم، کشته شوند باز من از آئین مزدیسنا که از هر مزد پذیرفتم روی نخواهم گردانید» (پورداوود، پیشین: ۸۶). نقش کی گشتاسپ برای تقویت زرتشت پیامبر و گسترش دین مزدیسنا، همانند نقش کنستانتین برای عیسی مسیح است.

همچنین در شاهنامه که سند هویت ملی ایرانیان است فردوسی از تهمورث، جمشید، فریدون، گرشاسپ، کیکباد، کیخسرو و از پادشاهان دارای فره ایزدی نام می‌برد. این نیرو و عنایت، طبق گزارش اوستا، ویژه‌ی پادشاه نژاد ایرانی است. همان نیرویی که ایرانیان (دشمنان ایران) از آن

محرومند. و افراسیاب تورانی در آرزوی به دست آوردن این فره، هفت کشور را پیمود و بنا به اراده اهورامزدا (خداوند) از آن محروم ماند (همان، ۳۴۸-۳۴۶). البته در فرهنگ ایرانی، ایران سرزمینی مینوی و محدود به جغرافیای طبیعی نیست. ایران شهر سرزمین آرمانی است و سرزمین پاکدینان که البته مرکز آن جغرافیای ایران است. مفهوم ایران برای ایرانیان فراتر از واحدهای سیاسی-اجتماعی، بار فرهنگی دارد به زعم ایران‌شناس ایتالیایی، جراز دوگلی، ایران با دو مفهوم فکر و مفهوم سیاسی قابل توضیح است. ایران به عنوان فکر، سراسر فلات قاره ایران که از شرق به کوه‌های هندوکش و رودخانه جیحون (آمودریا)، از غرب به بین‌النهرین، از شمال به کوه‌های قفقاز و از جنوب به دریای عمان و خلیج فارس محدود می‌شود، پراکنده است. ایران به عنوان مفهوم سیاسی، تاریخی طولانی را پشت سر نهاده است و در سه هزار سال گذشته، مرزهای متعددی داشته است، ایران به عنوان مفهوم سیاسی یک مفهوم باستانی است (خان‌محمدی، ۱۳۸۸: ۳۸).

ه) انعکاس جلوه فره ایزدی در اشعار فارسی

در شعر شاعران بزرگی چون دقیقی، ابوشکور بلخی، غضایری، اسدی‌توسی، منوچهری دامغانی، فرخی سیستانی، خاقانی، نظامی، امیر معزی، سعدی شیرازی، مولانا، مسعود سعد، بدیع بلخی، بهرامی سرخسی، جامی و ... هر جا نامی از ممدوح و امیر و پادشاه می‌برند او را متصف به فره ایزدی می‌دانند (عباسی، پیشین: ۸۸). این نکته گواه آن است که در باور ایرانی، پادشاه و امیر همواره با داشتن صفت فره و حمایت الهی است. نکته‌ای که مشروعیت الهی آنان را در خود نهفته دارد.



رابطه دین و دولت در فرهنگ ایرانی

در تعالیم زرتشتی و فرهنگ ایران باستان رابطه دین و پادشاهی (دولت) به منزله روابط برادری و جسم و روان است. هر دو برای بسط قدرت و بقا لازم و ملزوم یکدیگرند. توصیه اردشیر (بنیانگذار سلسله ساسانی) به فرزندش شاپور در هنگام واگذاری تاج و تخت به روایت شاهنامه چنین است:

بفرمود تا رفت شاپور پیش

ورا پندها داد از اندازه بیش

بدو گفت کاین عهد من یاد دار

همه گفت بدگوی را یاد دار

چو بر دین کند شهریار آفرین

برادر شود پادشاهی و دین

نه بی تخت شاهی بود دین به جای

نه بی دین بود شهریاری به پای

چنان دین و شاهی به یکدیگرند

تو گویی که در زیر یک چادرند

چو دین را بود پادشاه پاسبان

تو این هر دو را جز برادر مخوان (فردوسی، پیشین: ۱۷۴۶).

یا در جای دیگر فردوسی می گوید:

بود دین و شاهی چو تن با روان

بدین هر دو پای دارد جهان

امروزه فره ایزدی مبنای مشروعیت سیاسی نظام‌های سلطنتی در ایران پنداشته می‌شود و رمز بقا و دوام اینگونه نظام‌ها در وجهه دینی آنها بوده است. در واقع از رهگذر فره

ایزدی می‌توان به راز پیوند دین و دولت در ایران پی برد (عباسی، پیشین: ۲۱). تجلی بارز حاکمیت دینی و ارتباط دین و دولت زرتشتی‌گری حکومت ساسانی است و اصولاً نظریه فره ایزدی براساس تعالیم زرتشتی و از معتقدات روحانیون این دین است (همان، ۴۰).

اردشیر اول (بنیانگذار سلسله ساسانی) برای استقرار دین زرتشتی به عنوان دین رسمی کشور تلاش‌های مجدانه‌ای کرد. به نظر می‌رسد وی تشکیل انجمن دینی را به هیربدان هیربد بزرگ (تنسر) محول کرد. گفته می‌شود که تعالیم ارستین مبنی بر جداناپذیر بودن دین و دولت در وجود او ریشه گرفت تعالیمی که بعداً به صورت یکی از بدیهیات الهیات ساسانی در آمد (زهر، ۱۳۷۴: ۷۲). یکی از تعالیم تنسر چنین است: ای پسر من بدان که دین و دولت به مثابه دو برادرند یکی را بی دیگری ممکن نباشد. دین اساس دولت است و هر آنچه را اساس و بنیان نباشد محکوم به فناست. و هر آنچه که حافظی نداشته باشد از بین می‌رود (همان، ۷۲). پس از رسمی شدن دین زرتشت در حکومت ساسانی قدرت حکومت و قدرت دین رو به فزونی نهاد.

«خاندان ساسانی که با رویای تجدید شکوه و عظمت دوره هخامنشی حکومت نیرومندی را در تاریخ ایران باستان پدید آوردند، تحقق این آرمان را در پرتو یکپارچگی سیاسی و دین رسمی پیگیری نمودند. اگر چه اردشیر بابکان پایه‌گذار حکومت ساسانی پس از پیروزی بر آخرین شاهنشاه اشکانی و ملوک الطوایف، ایران‌شهر را یکپارچه ساخت، اما تثبیت نظام تازه تنها در سایه سازمان اداری و سیاسی متمرکز و رسمیت دین ملی امکان‌پذیر بود. از

فردوسی و ادبیات کلاسیک فارسی که آئینه افکار و اندیشه مردم است، شاه نماینده خدا بر زمین و مورد تأیید الهی است و بالطبع علاوه بر شهریاری، دارای موقعیت والای مذهبی است که تجمیع این دو ویژگی، به وی مقامی قدسی و الهی در ذهن و باور مردم پدید می‌آورد و هم او می‌توانسته حکمرانی نماید و حکومتی با پایه‌های دینی و مذهبی بنیان نهد. شاه به عنوان نماد دولت و حاکمیت، در ترویج و تقویت دین، از ارکان اصلی است. شاه در باور ایرانی همان حاکم حکیمی است که با عنایات ازلی دارای فضایل والای انسانی و شایسته رهبری و جانشینی خداوند است و این اندیشه همواره وجود داشته است و قدمت آن به روزگار کهن باز می‌گردد.

در تعلیمات روحانیون زرتشتی و نیز گفتار و تأیید شاهان ایرانی به ویژه عصر ساسانی، دین و دولت به منزله دو برادرند که باید حامی و پشتیبان هم باشند بلکه مانند جسم و روان هستند. در واقع سلطنت و پادشاهی جلوه‌ای از سلطنت الهی است بر روی زمین پنداشته شده و تفکر و باورمندی به فره ایزدی گویای مشروعیت الهی نظام‌های سلطنتی در ایران است. این اندیشه هم در متون ادب فارسی است و هم در متن اوستا کتاب مقدس زرتشت وجود دارد و در مسیر و گذران جامعه ایرانی با مداومت و استمرار همراه بوده است.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، *دانشنامه سیاسی*، تهران: انتشارات مروارید.
- ۲- الهیاری، فریدون (۱۳۸۶)، «فرایند رسمی شدن آئین زرتشت در آغاز حکومت ساسانی»، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه*

ایرو، دین در نظام ساسانی از کارکردهای مهمی در عرصه‌های گوناگون حیات جامعه ایرانی برخوردار شد. با وجود این، آئین زرتشت به عنوان دین ملی که ساسانیان در پیوند با آن تکاپوهای سیاسی خود را آغاز نمودند، در ابتدای کار ساسانیان از ظرفیت‌های لازم برای رسمیت برخوردار نبود. فقدان متن واحد دینی و پراکندگی پایگاه‌های آئین زرتشت که از پیامدهای حمله اسکندر مقدونی و دوران ملوک‌الطوایف معرفی می‌شد، مهمترین موانع رسمی شدن آئین زرتشت بود. بنابراین، پادشاهان نخست ساسانی با حمایت روحانیت زرتشتی تکاپوی مهمی را در این راه آغاز کردند و در فرآیندی پرفراز و فرود، آئین زرتشت را در ایران رسمیت بخشیدند» (الهیاری، ۱۳۸۶: ۷۶-۵۹).

«مقام سلطنت در ایران از همان ابتدا دارای مفاهیم مذهبی و برگرفته از اعتقادات دینی بود که براساس آن شاه دارای فره ایزدی بوده و به تعبیری سایه خدا بر روی زمین محسوب می‌شد، شاه ضمن اینکه دارای مقام شهریاری بود، در عین حال از مقام و وجهه مذهبی برخوردار بود، و مقام شهریاری و موبدی را توأمان داشت» (صالحی، ۱۳۸۸: ۳۴). این دیدگاه شبیه باوری است که در اوستا نسبت به زرتشت پیامبر وجود دارد که پیش از این بیان شد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های این تحقیق که با هدف تبیین رابطه دین و دولت و تفکر حاکمیت دینی در باورهای ایرانیان قدیم، سامان- یافته نشان می‌دهد به گواهی متون مذهبی زرتشتی، کتیبه‌ها، و آثار عهد هخامنشی و ساسانی، متن شاهنامه



- اصفهان، شماره ۴۸. انتشارات دانشگاه تهران.
- ۳- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷)، **یشت‌ها**، جلد اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۴- خان‌محمدی، کریم (۱۳۸۸)، «عناصر فرهنگی پایداری ایرانیان»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دهم، شماره ۳۸.
- ۵- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۵)، **لغت‌نامه**، تهران: مؤسسه لغت‌نامه.
- ۶- دوستخواه، جلیل (۱۳۶۲)، **اوستانامه مینوی آئین زرتشت**، تهران: انتشارات مروارید.
- ۷- راس دمی و کارن.اس. استریت (۱۳۸۲)، «دین، سیاستمداران و دولت»، مترجم: سیاوش نادری فارسانی، **فصلنامه شورای فرهنگ عمومی**، شماره ۳۴.
- ۸- زرنر، آرسی (۱۳۷۴)، **زروان یا معمای زرتشتی‌گری**، مترجم: تیمور قادری، تهران: انتشارات فکر روز.
- ۹- شریعت‌پناهی، ابوالفضل (۱۳۸۳)، **حقوق اساسی و نهادهای سیاسی**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- صالحی، کوروش (۱۳۸۸)، «نقش روحانیون زرتشتی در ساختار جامعه ایران عصر ساسانی»، **مجله پژوهش‌های تاریخی اسلام و جهان**، شماره ۵.
- ۱۱- عباسی، مختار (۱۳۸۰)، «فره ایزدی در ادب فارسی»، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- ۱۲- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۶۱)، **شاهنامه**، تهران: انتشارات علی‌اکبر علمی.
- ۱۳- فیرحی، داوود (۱۳۹۲)، «چهار برداشت از دولت اسلامی»، **روزنامه اعتماد**، شماره ۲۷۵۶.
- ۱۴- قربانی، مهدی (۱۳۸۹)، «رابطه دین و دولت در اندیشه کانت»، **نشریه معرفت**، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، شماره ۱۵۰.
- ۱۵- کدیور، محسن (۱۳۸۷)، **نظریه‌های دولت در فقه شیعه**، تهران: نشر نی.
- ۱۶- معین، محمد (۱۳۶۳)، **مزدیسنا و ادب فارسی**، جلد دوم، تهران:
- انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۷- میرموسوی، سید علی و مکتبی، زهرا (۱۳۹۲)، «احسان، مقاله دین و دولت در مکتب قرارداد اجتماعی»، **فصلنامه علوم سیاسی دانشگاه باقرالعلوم**، سال ۱۶، شماره ۶۲.
- پایگاه اینترنتی**
- ۱- ویکی‌پدیا <https://fa.wikipedia.org>
- ۲- سایت اطلاع‌رسانی حوزه (۱۳۸۷)، «بررسی نظریه‌ی حکومت دینی»، شماره ۵۵، www.hawzah.ir
- ۳- مصباح یزدی، آیت‌الله محمد تقی (۱۳۹۴)، «مشکات هدایت»، www.tebyan.net